

علم أصول الفقه

۷۲

۹-۲-۹۱ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

شؤون معصومان عليهم السلام

- د. شأن بشری و طبیعی: بدون شک در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و در زندگی سایر معصومان عليهم السلام رفتارها و گفتارهایی وجود داشته که به شأن رسالت (یا امامت به معنای علم الهی) و شأن امامت (به معنای زعامت و رهبری) و شأن قضاوت آنها ارتباطی نداشته است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- علمای شیعه و علمای سنی همگی این مطلب را گفته‌اند و چیزی نیست که مورد اختلاف بین مذاهب باشد. به طور مثال حضرت صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: فلانی چرا دیر آمدی، چرا زودتر نیامدی، حال فرزندان چگونه است، آیا فلان چیز را خریدی و...؟ یعنی آنها به عنوان انسان‌هایی عادی سخنانی را بیان می‌کردند و یا کارهایی را انجام می‌دادند که معمول مردم انجام می‌دادند.

شؤون معصومان علیهم السلام

- آیا این گونه رفتارها و گفتارها همچون سه شأن گذشته، شأنی دینی است؟
- به عبارت دیگر آیا معصومان علیهم السلام از شأنی غیر دینی نیز برخوردار بودند؟
- البته یقیناً مراد از شأن غیر دینی، شأنی خلاف دین نیست. زیرا همان گونه که گذشت معصومان علیهم السلام از هرگونه خطا و نسیان و عصیانی مبرا هستند. مقصود از شأن غیر دینی، اموری است که در سعادت واقعی نقشی نداشته باشد، اگرچه به لحاظ دینی در زمره‌ی مباحات قرار گیرد.

شؤون معصومان عليهم السلام

• در مقابل این سؤال سه دیدگاه قابل طرح است:

- ا. تمام آنچه معصومان عليهم السلام انجام می دادند و یا بیان می کردند، همه دینی بوده است.
- ب. شأن طبیعی آنان منشأ امور غیر دینی است.
- ج. هر چند بعضی گفتارها و رفتارهای جزئی آنان دینی نبوده است، اما در وراء آن یک نکته دینی وجود داشته است .

شؤون معصومان عليهم السلام

- أ. تمام آنچه معصومان عليهم السلام انجام می دادند و یا بیان می کردند، همه دینی بوده است و اصولاً شأنی غیر دینی که هیچ تأثیری در سعادت انسان نداشته باشد، وجود ندارد.
- هر چه به آن اعتقاد داریم و هر آنچه را که انجام می دهیم، به نحوی از انحا در ما تأثیر می گذارد، حال این تأثیر ممکن است مثبت باشد و ممکن است منفی باشد. امری خنثی که هیچ اثری نداشته باشد، وجود ندارد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- به طور مثال خوردن، یک کار طبیعی است و بشر برای حیات خویش نیاز به خوردن دارد. اما آنچه می‌خوریم، مقداری که می‌خوریم، ظرفی که در آن غذا می‌خوریم و... در سعادت و شقاوت ما نقش دارد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- برخی از مأكولات برای انسان ممنوع شده است. دلیل منع آنها آثار سوئی است که بر جسم و روان انسان پدیدار می‌شود.

شؤون معصومان عليهم السلام

- پرخوری از چیزهایی است که هم در شرع و هم از نظر پزشکان امری مذموم شمرده شده است. تعبیر «المعدة بيت كل داء» [شکم کانون همه‌ی دردهاست] که در روایات وارد شده، از نظر پزشکی امری مسلم تلقی می‌شود.

- وَ قَالَ صَ الْمَعِدَةُ بَيْتُ كُلِّ دَاءٍ وَ الْحَمِيَّةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ فَأَعْطِ نَفْسَكَ مَا عَوَّدَتْهَا (طب النبي صلى الله عليه و آله و سلم، ص: ۱۹)

شؤون معصومان عليهم السلام

- امروزه عادات غذایی مردم کشورهای مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهند و در پی بررسی‌های متعدد برخی عادات غذایی را که منشأ بیماری‌های مختلف می‌گردد، اعلام می‌نمایند. از جمله این عادات زیاده روی در خوردن است. در شرع اسلام سفارش شده قبل از سیری کامل دست از غذا بکشیم.

شؤون معصومان عليهم السلام

- ظرفی که در آن غذا می‌خوریم از یک سو باید تمیز و پاک باشد و از سوی دیگر از جنس طلا و نقره نباشد. ممکن است جهت ممنوعیت خوردن در ظروف طلا و نقره، امری اقتصادی و اجتماعی باشد. اشراف چنین عاداتی داشتند و اسلام می‌خواست این فاصله‌های طبقاتی را از میان بردارد. اما به هر حال سرپیچی از این دستور اسلام در شقاوت انسان مؤثر است.

شؤون معصومان علیهم السلام

- بالآخره برخی مواد غذایی از طریق صید و شکار به دست می آید. در شرع برای صید و شکار کیفیت خاصی فرض شده است و شکار هر حیوانی به هر نحو ممکن جایز نیست. ذبح حیوانات اهلی نیز شرایط و شکل های خاصی دارد. بدون رعایت اصول صید و ذبح اسلامی، استفاده از حیوانات مرده، مردار محسوب می شود و خوردن آنها حرام است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- بنابراین حتی در امور به ظاهر عادی و طبیعی زندگی بشر، جهاتی وجود دارد که در سعادت و شقاوت انسان مؤثر است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- در یک نگاه فلسفی نیز انسان حاصل اعتقادات و رفتارهایش است. نهائیتی که برای انسان حاصل می‌شود، نتیجه‌ی آن چیزی است که به آن اعتقاد دارد و به آن عمل می‌کند. پس مجموعه‌ی رفتارهای ما و مجموعه‌ی اعتقادات ما می‌تواند و بلکه حتماً در نتیجه‌ای که پیدا می‌شود، نقش دارد. پس حتی اگر مثال‌های فقهی را در نظر نگیریم و بخواهیم بحث را بی-ارتباط با فقه مطرح نماییم، عاقبت کار انسان با مجموعه‌ی اعتقادات و رفتارهایش گره خورده است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- وقتی در بشر عادی امر آن گونه است که توصیف کردیم چه اشکالی دارد همه‌ی رفتارها و گفتارها و اعتقادات پیامبر صلی الله علیه و آله که خاتم انبیا و اولیا است و در قله‌ی بشریت قرار دارد و رفتار و گفتار سایر معصومان عليهم السلام با نوعی هدایت الهی همراه باشد. این مطلب با برخی روایات مورد تأیید قرار می‌گیرد. ائمه عليهم السلام فرموده‌اند: «نحن مشیة الله» [ما عین خواست خدایم]. یعنی هر چه آنها انجام می‌دهند، عین خواسته و اراده‌ی خداوند است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- با این دیدگاه جزئی‌ترین گفتار و رفتار معصوم علیه السلام با نوعی هدایت الهی است و در سعادت انسان نقش مثبتی دارد، بنابراین به عنوان منبع دین قابل مراجعه و تبعیت است. به عبارت دیگر تمام رفتارها و گفتارها حتی رفتار و گفتار عادی جزو سنت خواهد بود و هیچ یک از آنان از سنت به عنوان منبع شناخت دین خارج نیست. بله ممکن است فقط بخشی از آن از طریق نقل برای ما تبیین گردد و بخش دیگر را از طریق دانش و علم بشری کشف کنیم، اما هیچ یک از آنان از حوزه دین خارج نیست.

شؤون معصومان عليهم السلام

- واضح است با این دیدگاه و تلقی، دیگر جایی برای بحث مورد نظر ما باقی نمی ماند. ما می خواهیم بدانیم دامنه ی سنت کجا است و چه میزان از گفتارها و رفتارهای معصومان عليهم السلام قابل تبعیت است؟ وقتی قایل شدیم که همه ی رفتارها و گفتارهای معصومان جزو سنت و قابل تبعیت است، چیزی باقی نمی ماند که در این حوزه نباشد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- ب. از آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان عليهم السلام بشر هستند و از شأنی بشری و طبیعی برخوردارند، کارها و گفتارهایی دارند که نقشی در سعادت واقعی انسان ایفا نمی‌کند. بنابراین شأن طبیعی آنان منشأ امور غیر دینی است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- برخی از علمای اهل سنت مثل جرجانی بر این دیدگاه هستند. آنها اولاً سنت پیامبر را در رفتارها خلاصه کرده و اصلاً گفتار را جزو سنت مطرح نموده‌اند و ثانياً معتقدند رفتارهایی که مکرراً صورت می‌پذیرفته، جنبه‌ی دینی داشته است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- پیامبر برخی کارها را همواره و مکرراً انجام می دادند و به آنها ملتزم بودند. اگر این اعمال از شأن دینی حضرت صلی الله علیه و آله نبود، وجهی نداشت که پیامبر بر انجام آنها اصرار ورزد. اما رفتارهایی که گاهی انجام می دادند و گاهی ترک می کردند، جزو امور عادی به شمار می رفت که مردم عادی نیز انجام می دادند.

شؤون معصومان عليهم السلام

- بر اساس این دیدگاه درست است که رفتارها و اعتقادات بشر در سعادت و شقاوت نهایی که برای انسان حاصل می‌شود، تأثیر دارند؛ اما تمام رفتارها و گفتارها و اعتقادات چنین نقشی را ایفا نمی‌کنند. بخشی از رفتارها و اعتقادات حالتی خنثی دارند. چه آنها را بپذیریم و چه نپذیریم و چه انجام بدهیم و چه انجام ندهیم، هیچ تأثیری در نهایت کار نخواهد داشت.

شؤون معصومان عليهم السلام

- اعتقاد ما به کروی بودن زمین یا مسطح بودن آن، ثابت بودن خورشید یا متحرک بودن آن، تأثیری در سعادت ما ندارد. ممکن است در عصری زیست کنیم که مردمان آن معتقدند خورشید دور زمین می‌گردد و به سعادت برسیم و ممکن است در عصری زیست کنیم که مردمان آن، اعتقاد به گردش زمین دور خورشید داشته باشند و هیچ به سعادت نرسیم. چرا که این اعتقاد یا آن اعتقاد نقشی در سعادت ما ندارد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- در خیلی مسایل کلی یا جزئی دیگر نیز امر به همین منوال است: ممکن است ندانیم آب در صد درجه می جوشد، معیار درجه و سانتیگراد و نحوه‌ی محاسبه‌ی آنها را نشناسیم، نتوانیم حجم کره را محاسبه کنیم، در عین حال انسان‌هایی سعادت‌مند باشیم. ممکن است به عادت خویش دست خود را تکان دهیم یا در ساعت ۱۰ آب بخوریم و یا... و ممکن است آنها را انجام ندهیم. این امور اثری در سعادت و شقاوت ما ندارند.

شؤون معصومان عليهم السلام

- ممکن است اشکال شود که همه‌ی رفتارها و گفتارهای ما یکی از احکام خمسہ را دارد یا واجب است یا حرام است یا مستحب است یا مکروه است و یا مباح. بنابراین هیچ یک از رفتارهای ما خارج از حوزه‌ی دین نیست.

شؤون معصومان عليهم السلام

- اما اینجا سؤال جدی تری مطرح است: آیا اصلاً مباح مجعول شرعی است یا چیزی نیست جز عدم جعل شرعی؟
- ظاهراً مبنای امام راحل این است که مباح جعل شرعی ندارد. وقتی شارع چیزی را واجب نکرده، حرام نکرده و مستحب و مکروه هم نیست، آن عمل را مباح می‌نامیم.
- بنابراین می‌توان عملی را تصور نمود که هیچ نوعی جعل شرعی به آن تعلق نگرفته باشد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- ج. هر چند بعضی گفتارها و رفتارهای جزئی آنان دینی نبوده است، اما در وراء آن یک نکته دینی وجود داشته است .